



وَلَا تَحْسَبَنَّ الْقَتْلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمِثْلِ قَتْلِ الْوَالِدِ وَالْأَقْرَبِينَ

هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده اند، مرده مپندار،

بلکه زنده اند که نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.

سوره مبارکه آل عمران _ آیه ۱۶۹

سردار شهید مصطفی صدرزاده (بت شکن سوریه)



شهید مصطفی صدرزاده با نام جهادی سید ابراهیم در ۱۹ شهریور ۱۳۶۵ در شهرستان شوشتر استان خوزستان در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد.

پدرش پاسدار و جانباز جنگ تحمیلی و مادرش از خاندان جلیله سادات هستند. سید ابراهیم در سال ۹۲ برای دفاع از دین و حرم زینب (س)، داوطلبانه به سوریه عزیمت و به علت رشادت در جنگ با دشمنان دین، فرماندهی گردان عمار و جانشین تیپ فاطمیون شد، سرانجام پس از چندین بار زخمی شدن در درگیری با داعش، ظهر روز تاسوعا مقارن

با ۱ آبان ۹۴ در عملیات محرم در حومه حلب سوریه به آرزوی خود، یعنی شهادت در راه خدا رسید. شهید صدرزاده به مدت ۲ سال و نیم در درگیری‌های علیه تروریست‌های تکفیری به دفاع از حرم حضرت زینب (س) پرداخته و طی این مدت هشت مرتبه مجروح شده بود.

درباره صدرزاده حرف زیاد است. او با رزمندگان تیپ فاطمیون به سوریه رفته بود و همین مساله هم سبب شد که شهید سلیمانی در مراسم بزرگداشت این شهید، به این نکته اشاره کند و صحبت‌های سردار به سرعت در میان مردم دست به دست شود. این‌ها به کنار، چندتایی هم کلیپ از خود سید ابراهیم در فضای مجازی وجود داشت که با اقبال بسیاری از سمت مخاطبان روبه‌رو شد. از جمله ویدئویی که صدرزاده در آن نوحه‌ای را زمزمه می‌کرد که در بخشی از آن مداح چنین می‌خواند: «ایشالا تاسوعا پیش عباسم...» و صدرزاده این جمله را با مداح رو به دوربین می‌خواند.

شهادت صدرزاده در روز تاسوعا سبب شد نام او به‌عنوان شهید تاسوعا و شهید ایرانی که در بین شهدای فاطمیون به جبهه‌های سوریه رفت، ماندگار بماند.

مستند ملازمان حرم، عنوان مستندی بود که به بررسی زندگی شهدای مدافع حرم در گفتگو با همسران و مادران آن‌ها می‌پرداخت. قسمتی که به گفتگو با همسر شهید صدرزاده اختصاص داشت، از پربیننده‌ترین قسمت‌های این مستند نام گرفت. علاوه بر این کتاب‌های بسیاری برای سید ابراهیم نوشته شد.

«سیدابراهیم» به قلم مهدی گودرزی، «سرباز روز نهم» به کوشش دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب، «مرتضی و مصطفی» خاطرات خود گفته شهید مرتضی عطایی (ابوعلی)، «قرار بی‌قرار» به قلم فاطمه سادات افقه و «اسم تو مصطفاست» به قلم راضیه تجار از آثاری است که درباره شهید صدرزاده منتشر شده است.

فرازی از وصیت نامه شهید:

سپاس خدایی را که بر سر ما منت نهاد و از میان این همه مخلوق ما را انسان خلق کرد... دوستان با معرفت، هم‌رزمای بسیجیم! چند نکته را به حسب وظیفه به شما سفارش می‌کنم:

۱- وقتی کار فرهنگی را شروع می‌کنید با اولین چیزی که باید بجنگیم خودمان هستیم. اولین مشکل، مشکل تنبلی و سهل‌انگاری است.

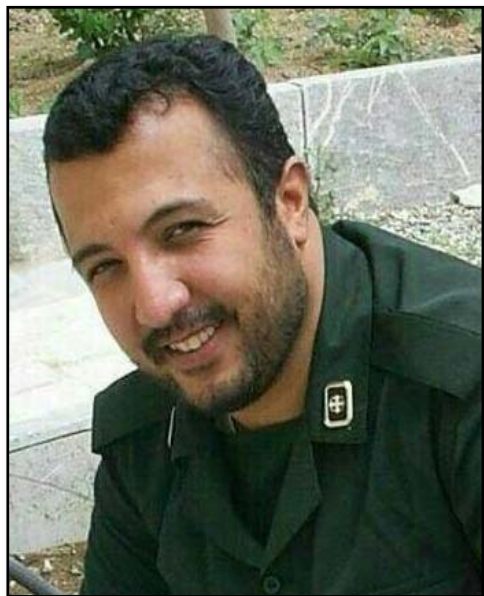
۲- وقتی که کارتان می‌گیرد و دورتان شلوغ می‌شود تازه اول مبارزه است، زیرا شیطان به سراغتان می‌آید اگر فکر کردید که شیطان می‌گذارد شما به راحتی برای حزب الله نیرو جذب کنید، هرگز... ۳- تا جای که می‌توانید از تفرقه فرار کنید. عامل تفرقه غیبت و خبرچینی [ناخوانا] است. ۴- اگر می‌خواهید کارتان برکت پیدا کند به خانواده شهدا سر بزنید، زندگی نامه شهدا را بخوانید سعی کنید در روحیه خود شهادت طلبی را پرورش دهید... ۵- سخنان مقام معظم رهبری را حتما گوش کنید، قلب شما را بیدار می‌کند و راه درست را نشانان می‌دهد.

۶- دعای ندبه و هیئت چهارشنبه را محکم بچسبید.

۷- خودسازی دغدغه اصلی شما باشد.



شهید محرم ترک (اولین شهید مدافع حرم)



شهید محرم ترک در اول دی ماه ۱۳۵۷ در تهران به دنیا آمد. یکی از نظامیان و فرماندهان برجسته تخریب بود که در همان ماه‌های ابتدایی نبرد سوریه، به این کشور اعزام شد. محرم ترک از فرماندهان توانمندی بود که از اوایل جنگ سوریه مسئولیت آموزش رزمندگان مدافع سوری را بر عهده داشت؛ و در سازماندهی نیروهای مردمی برای انهدام نیروهای تکفیری داعشی نقش پر رنگی داشت.

شهید محرم ترک در ۲۸ دی ۱۳۹۰، زمانی که هنوز کسی اسم مدافعان حرم را نشنیده بود، در سوریه به شهادت رسید.

همسر شهید محرم ترک میگوید موقع اعزام چیزی گفتند که در ذهنم مانده و همیشه بخاطر دارم. محرم گفت: «هرکجا ظلمی باشد وظیفه ماست که حضور داشته باشیم.»

شهید عبدالله باقری

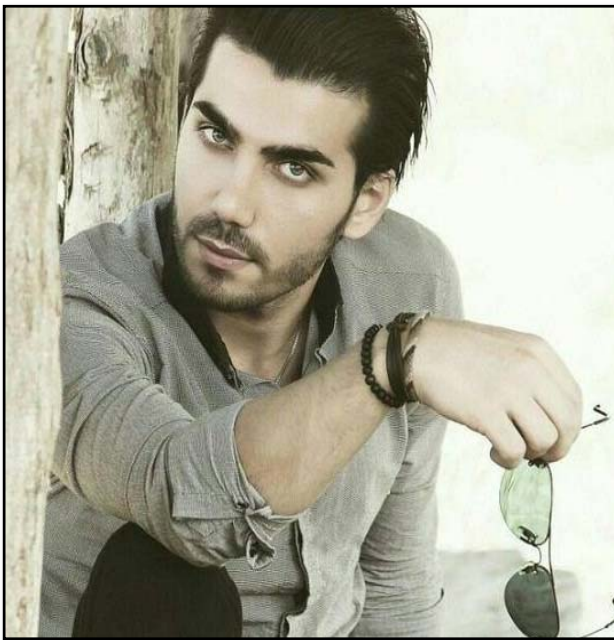


عبدالله باقری متولد ۲۹ فروردین سال ۱۳۶۱ است. خانواده باقری خانواده‌ای مقید و مذهبی بودند به طوری که در نمازهای جماعت و دیگر مراسمات مجلس محل حضور مستمر داشتند و عبدالله در چنین خانواده‌ای با عشق به اهل بیت پرورش یافت.

از پاسداران سپاه انصارالمهدی (ع) و اعضای تیم حفاظت ریاست جمهوری بود که داوطلبانه برای دفاع از حرم عقيله بنی هاشم به سوریه رفته و در شب تاسوعا به دست تروریست‌های تکفیری در حومه شهر حلب به شهادت رسید.

فاطمه شانجانی، همسر شهید عبدالله باقری درباره مراسم ازدواجشان می‌گوید: درست وقت اذان بود که به سالن عروسی رسیدیم. عبدالله از مسئولین سالن خواست که صدای اذان در سالن پخش شود و بعد از پخش اذان، نماز جماعت را همان جا برپا کرد.

شهید بابک نوری هریس (شهید مدلینگ)



یک روز مانده به پیروزی جبهه مقاومت اسلامی و شکسته شدن آخرین سنگر داعش در منطقه بوکمال، کانال‌های تلگرامی و صفحه‌های پرطرفدار در اینستاگرام، پر از تصاویری متفاوت از یک جوان مدافع حرم دهه هفتادی شد؛ جوانی با ظاهری شبیه مدل‌های سینمایی!

قصه شهید بابک نوری هریس، از همین جا شروع شد، از وقتی عکس هایش یکی یکی در فضای مجازی منتشر شدند و روی قضاوت خیلی‌ها خط کشیدند، قضاوتی که معیار و اندازه اش چشم آدم

ها بود؛ خط کشی که نمی توانست عکس آخرین سلفی بابک در سوریه را کنار عکس های قبل از اعزامش بگذارد و بپذیرد که قهرمان هر دو عکس یک نفر است.

حالا اما بابک شده یک نماینده خوب برای دهه هفتادی ها، برای همه آنهایی که متهم می شوند به وصل بودن به این دنیا، بابک از همه دل مشغولی های این دنیایی اش دل بریده و برای دفاع از مرزهای اسلام، پرکشیده سمت سوریه؛ سمت حرم حضرت زینب(س) و همانجا شهید شده؛ جوانی که حالا خیلی ها به او لقب زیباترین شهید مدافع حرم و شهید لاکچری را داده اند.

شهید بابک نوری هریس با عضویت در سپاه قدس پا در میدان جنگ و دفاع از حریم اهل بیت(ع) گذاشت و در بیست و هفتم آبان ۱۳۹۶ در عملیات آزادسازی منطقه «البوکمال» همزمان با سالروز شهادت امام رضا(ع) توسط نیروهای کیفی داعش به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

شهید بابک نوری هریس در ۲۱ مهر ۱۳۷۱ در شهر رشت به دنیا آمد. پدرش از رزمندگان دفاع مقدس بود. تا مقطع متوسطه را در زادگاهش گذراند و از سال ۱۳۹۰ تا ۹۴ دانشجوی رشته حقوق در منجیل بود. سال ۹۶ در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه شهید بهشتی پذیرفته شد، اما ثبت نام در دانشگاه را به بعد از سفر سوریه موکول کرد. وی در دوره دانشجویی در دفتر یک وکیل به صورت پاره وقت کار می کرد. او گاهی در شغل بنایی و گچ بری نیز فعالیت می کرد.

بابک نوری هریس در هلال احمر دوره امدادگری را هم گذرانده بود. دوستان بابک که توسط او به هلال احمر جذب شده بودند، از روحیه تعهد و خدمت به مردم در او گفته اند.

فرازی از وصیتنامه شهید:

بسم الله الرحمن الرحيم

اینجانب بابک نوری هریس فرزند محمد به تو حسادت میکنند، تو مکن. تو را تکذیب میکنند، آرام باش. تو را میستایند، فریب مخور. تو را نکوهش میکنند، شکوه مکن. مردم از تو بد میگویند، اندوهگین مشو. همه مردم تو را نیک میخوانند، مسرور مباش... آنگاه از ما خواهی بود. حدیثی بود که همیشه در قلب من وجود داشت از (امام پنجم) خدایا همیشه خواستم به چیزهایی که از آنها آگاه هستم، عمل کنم ولی در این دنیای فانی به قدری غرق گناه و آلودگی بودم که نمیدانم لیاقت قرب به خداوند را دارم یا نه؟ خدایا گناه‌های من را ببخش، اشتباهاتم را در رحمت و مغفرت خودت ببخش و تا وقتی که مرا نبخشیدی از این دنیا مبر. تا وقتیکه راهم راه حق هست مرا بمیران.

خدایا کمکم کن تا در راه تو قدم بردارم و در راه تو جان بدهم.

مادرم، جانم به قربان پاهایت که به خاطر دویدن برای به کمال رسیدن فرزندان آسیب دیده میشود، در نبود من اشک‌هایت را سرازیر مکن. من با خدای خود عهدی بسته‌ام که تا مرا نیامرزد، مرا از این دنیا مبرد. مادرم برای من دعا کن، ولی اشک‌هایت را روان مکن که به خدای من قسم راضی به اشک‌هایت نیستم.

خواهران خوبتر از جانم، من نمیدانم وقتی حسین(ع) در صحرای کربلا بود چه عذابی میکشید، ولی میدانم حس او به زینب(س) چه بوده.

عزیزان من حال دست‌هایی بلند شده و زینب‌هایی غریب و تنها مانده‌اند و حسینی در میدان نیست. امیدوارم کسانی باشیم که راه او را ادامه دهیم و از زینب‌های زمانه و حرم او دفاع کنیم.

برادرانم در نبود من مسئولیت شما سنگین تر شده، حال شما عشق و محبت مرا به دیگران باید بدهید؛ زیرا من عاشق خانواده‌ام، اطرافیانم، شهرم، وطنم و... بوده‌ام و شما خود من هستید در جسمی دیگر.

پدرم، تو هم روزی در جبهه حق علیه باطل از زینب‌های مملکت دفاع کردی، شما دعا کن که با دوستان شهیدت محشور شوم.

سردار شهید محمدعلی الله دادی



شهید محمدعلی الله دادی سال ۱۳۴۱ در روستای پاریز از توابع شهرستان سیرجان به دنیا آمد. با شروع انقلاب وارد نهادهای انقلابی شد و در سال ۱۳۶۲ برای خدمت به مناطق محروم به شهرستان کهنوج رفت.

در دوران دفاع مقدس در لشکر ۴۱ لشکر ثارالله به عضویت در تیپ ادوات درآمد و مسئولیت فرماندهی تیپ ادوات لشکر را برعهده گرفت. جانشینی لشکر ۳۸ ذوالفقار نیروی زمینی، فرماندهی تیپ رمضان لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) و فرماندهی سپاه الغدیر یزد و... از مسئولیت‌های وی پس از دوران دفاع مقدس است.

سردار الله دادی روز یکشنبه ۲۸/۱۰/۱۳۹۳ در حالی که برای بازدید از استان قنیه سوریه عازم این منطقه گردیده بود، مورد حمله بالگردهای توپدار رژیم صهیونیستی واقع شد و به همراه شش تن از همزمانش که جزو اعضای حزب الله لبنان بودند، به شهادت رسید.

بخشی از نوشته‌ی شهید که در آن برای پیوستن به دوستان شهیدش ابراز دلتنگی می‌کند:

اگر می‌خواهیم که بهار روزهای عظمت به سراغمان آید؛ هر چند یاران بهاریمان رفته اند، هم آنان که بهاری بودن را به ما آموزش دادند. به ما یاد دادند سربرزانوی زمستان ننهیم، حتی اگر خزان فتنه‌ها بر جغرافیای اذهان هجوم آورد و تندباد حوادث و بلاها، تن‌های خسته را دربرگیرد. آموختند اگر آه آدمی از جنس نیاز باشد می‌توان دروازه‌های پیروزی را گشود و تا شهر جاودانگی سفر کرد.

هیئات اگر یاد و خاطره‌ی یاران حماسه ساز صحنه‌های دفاع از کیان و شرف، از خاطرم محو شود. یاد آنان که در تاریکی شب‌های جبهه‌های غرب و جنوب زنگ دلشان به صدا درآمد، چلچله‌ها در بی‌قراری نوایشان پرواز آموختند، روزهایشان بهانه‌ای برای عاشقی بود و شب‌هایشان وسعت بودن. آن‌ها خواهند ماند. اگر چه امروز ما در حسرت عطرها گم شده‌ی حضورشان دست و پا می‌زنیم، می‌دانیم روی تپه‌های صبح ظفر اثری جز رد پای آنان نیست و روزهای بودنشان در برابر ما به زیبایی حک شده، اگر چه مه هجرانشان تمام تنمان را گرفته، اما ما را می‌بینند، صدایمان می‌زنند و طنین نوایشان تا ابدیت جاری است

پهلوان شهید سجاد عفتی (سید ابراهیم)



سجاد عفتی ۳۰ تیر سال ۱۳۶۴ به دنیا آمد. پدرش در دو مرحله یکی به دست منافقین در درگیری چالوس در سال ۶۰ و یکی عملیات محرم در جبهه جانباز شد. سجاد هم‌رزم، همراه، رفیق و هم‌قدم شهید مدافع حرم مصطفی صدرزاده است. سجاد پس از عملیات «محرم» و شهادت مصطفی در میدان «خان طومان» نام عملیاتی او «سید ابراهیم» را برای خود برگزید. هم‌رزمان و فرماندهانش او را به این نام می‌شناختند. حتی وقتی شب‌ها با کیسه ارزاق در خانه یتیمان «خالدیه» و «الحاضر» در استان «حلب» می‌زد، آن‌ها نیز او را به نام صدا می‌زدند.

این شهید والامقام از ابتدای جنگ سوریه و عراق علاوه بر حضور میدانی و مستشاری نیروی قدس و گاهی ارتش جمهوری اسلامی ایران، تعدادی از بسیجیان در نبردهای مختلف با گروه‌های مختلف از جمله «دفاع وطنی سوریه»، «فرقه رابعه»، «حزب الله سوریه و لبنان»، «فاطمیون»، «حیدریون»، «حرکت نجبا» و سایر شاخه‌های نظامی مقاومت اسلامی حاضر در میدان همکاری کرد.

کتاب «نخسای‌ها» روایتگر زندگی این شهید والامقام هست. «نخسا» در ابتدا مخفف طنزآلودی از عبارت «نیروهای خودسر سپاه اسلام» بود؛ به مرور توسط برخی مدافعان حرم در سوریه به «نیروهای خودجوش سرزمین‌های اسلامی» تبدیل شد و رفته رفته به‌طور جدی‌تر هویت مستقل خود را پیدا کرد.

فرازی از وصیت نامه شهید:

مرگ پلی است به سوی جهان ابدیت و ان‌شالله این پل با شهادت رقم بخورد، صبر در مصیبت اجر عظیم الهی را دارد، در مصیبت‌ها، فقط برای امام حسین (ع) گریه کنید.

ارزش شهدای شما خیلی بالا است چون این‌ها شهیدان دفاع از حریم اهل بیتند.

مقام معظم رهبری